

شاید ها ، شیطان ها

روسپاهی بر شما ، شاید ها ، شیطان ها
 ای شما زهر کرده به جام دل انسان ها
 مال مردم خورده اید دزدان ناموس و شرف
 ساخته کاخ های ستم بر آن همه ویران ها
 پشته ها از کشته ها ساختید در هر فرصتی
 ای شما بنیاد گذار بند ها ، زندان ها
 گه بنام «انقلاب» آتش زدید بر جان خلق
 گه بنام «دین» جنایت، وای ازین وجدان ها
 سرزمینی را شما ویران نمودید ، بهر حرص
 ای شما طاعون ها ، سیلاب ها ، توفان ها
 باز کاندید ریاست کرده اید خودرا ، چه شرم !!
 ای شما وجدان فروخته ، برده ها ، نادان ها
 روسپی ها دارند کمی شرم و حیا و غیرتی
 ای شما کمتر ز روسپی ، زشت تا دندان ها
 شعر (ناتور) قصه از نامردمی ، عیان کند
 مرگ بر نامردمان ، نابود باد شیطان ها

